

Burger, Peter. - 1974. Theory of the Avant-Garde. University of Minnesota Press, 1984. Pp. 111. \$17.95. ISBN 0-8166-1774-7.

Theory of the Avant-Garde. Peter Burger. Translated into English by Michael Shaw. University of Minnesota Press, 1984. Pp. 111. \$17.95. ISBN 0-8166-1774-7.



نظریه هنر آوانگارد

Theory of the Avant-Garde
Peter Burger
Translated into English by Michael Shaw
University of Minnesota Press, 1984

نظریه‌ی هنر آوانگارد

پتر بورگر
ترجمه‌ی مجید احگر

نظریه‌ی هنر آوانگارد
پتر بورگر
ترجمه‌ی مجید احگر
۱۳۸۵

www.minnsoy.com

فهرست مطالب

۱	بیش گفتار نظریه‌ی مدرنیسم در برابر نظریه‌ی آوانگارد / یوحن سوله‌راسه
۴۶	ملاحظات مقدماتی
۴۸	مقدمه نظریه‌ی هر آوانگارد و نظریه‌ی ادبیات

Burger, Peter. ... 1974 ...
 عنوان و نام پدیدآور: نظریه‌ی هر آوانگارد / یوحن سوله‌راسه
 مشخصات نشر: تهران: نشر نی، ۱۳۸۶
 مشخصات کتابشناختی: ۳۳۶ صفحه
 شابک: 978-964-343-000-4
 وضعیت: در دسترس است
 اطلاعات نشر: 1974. Theorie der Avantgarde. [ویرایش: کاپیتول]
 یادداشت کتابخانه: از سری: نظریه‌ی هر آوانگارد / یوحن سوله‌راسه
 موضوع: پیشروگرایی ادبی / نظریه
 کلمه کلیدی: آوانگارد / نظریه
 درج در: فهرست کتابخانه: ۱۳۸۶
 درج در: فهرست کتابخانه: ۱۳۸۶
 شماره کتابشناسی: ۱۳۸۶

Theory of the Avant-Garde
 Peter Burger
 Translated into English by Michael Sauer
 University of Minnesota Press, 1984

مترجم: محمدرضا شمس‌الدین
 عنوان: نظریه‌ی هر آوانگارد / یوحن سوله‌راسه
 مشخصات نشر: تهران: نشر نی، ۱۳۸۶
 شابک: 978-964-343-000-4
 وضعیت: در دسترس است
 اطلاعات نشر: 1984. Theorie der Avantgarde. [ویرایش: کاپیتول]
 یادداشت کتابخانه: از سری: نظریه‌ی هر آوانگارد / یوحن سوله‌راسه
 موضوع: پیشروگرایی ادبی / نظریه
 کلمه کلیدی: آوانگارد / نظریه
 درج در: فهرست کتابخانه: ۱۳۸۶
 درج در: فهرست کتابخانه: ۱۳۸۶
 شماره کتابشناسی: ۱۳۸۶
 www.mit-irj.kherad.com

۱۶۷	فصل اول: تأملاتی مقدماتی درباره‌ی یک علم ادبی انتقادی
۵۹	۱. هر موتیک
۶۲	۲. نقد ایدئولوژی
۶۶	۳. تحلیل کارکردها

۷۵	۱. ویژگی تاریخی مقولات زیبایی‌شناسی
۸۰	۲. جنس آوانگارد به منابه‌ی خودنقادی هر در جامعه‌ی بورژوازی
۸۷	۳. درباره‌ی نظریه‌ی هر بنیامین

۷۵	۱. ویژگی تاریخی مقولات زیبایی‌شناسی
۸۰	۲. جنس آوانگارد به منابه‌ی خودنقادی هر در جامعه‌ی بورژوازی
۸۷	۳. درباره‌ی نظریه‌ی هر بنیامین

فصل سوم: درباره‌ی مسئله‌ی خودآیینی هنر در جامعه‌ی بورژوازی	
۱. معضلات بزوهستی	۹۷
۲. خودآیینی هنر در ریبابی سیاسی کانت و شیلر	۱۰۴
۳. نفی خودآیینی هنر در جنبش آوانگارد	۱۰۹
فصل چهارم: اثر هنری آوانگارد	
۱. درباره‌ی مقوله‌ی مساله‌ساز اثر	۱۲۱
۲. امر نو	۱۲۵
۳. انفاق	۱۳۱
۴. مفهوم تمثیل از نظر بیامین	۱۳۵
۵. موتاز	۱۴۰

فصل پنجم: هنر آوانگارد و مسأله‌ی تعهد	
۱. مباحثه‌ی میان آدورنو و لوکاچ	۱۵۳
۲. ملاحظات یابانی و سحی درباره‌ی هگل	۱۶۲

پیش‌گفتار: نظریه‌ی مدرنیسم در برابر نظریه‌ی آوانگارد

۱۶۷	پی‌گفتار بر ویراست دوم متن آلمانی
۱۷۶	یادداشت‌ها
۲۰۸	کتاب‌شناسی
۲۱۴	واژه‌نامه
۲۱۸	نمایه

به عنوان کسب‌کار که لاگوت کسب‌کار و کسب‌کارها را به زبان آلمانی ترجمه کرده است که مارک بودا در این کتاب توضیح کرده است نوشته‌ها، تلاش برای بیان خودآیینی هنر در جامعه‌ی بورژوازی و مسئله‌ی تعهد در این کتاب است که در این کتاب را از کتاب‌های گسترده‌ی هنر آوانگارد در ترجمه‌ی آوانگارد و آوانگارد در ترجمه‌ی آوانگارد - نوشته‌ها

علاقه‌های زبانی و ادبی و هنری در پدید آمدن آوانگارد

مقاله‌های منتخب از کتاب

۱. تاریخ ادبیات جهان، ج ۱، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۲. تاریخ ادبیات جهان، ج ۲، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۳. تاریخ ادبیات جهان، ج ۳، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۴. تاریخ ادبیات جهان، ج ۴، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۵. تاریخ ادبیات جهان، ج ۵، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۶. تاریخ ادبیات جهان، ج ۶، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۷. تاریخ ادبیات جهان، ج ۷، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)
۸. تاریخ ادبیات جهان، ج ۸، مانت، ۱۹۱۷ (ترجمه نشر نی، ۱۹۱۷)

این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است و به دلیل اهمیت موضوع، به صورت مجلدی در دسترس قرار گرفته است. این کتاب به بررسی تاریخ ادبیات جهان و به ویژه ادبیات غرب می‌پردازد و به بررسی تحولات ادبی و هنری در قرن بیستم می‌پردازد.

۱. مدرنیسم در برابر آوانگارد: تمایزگذاری‌های مقدماتی

الف. نظریه‌ی هنر آوانگارد پوچولی و محدودیت‌های آن

عنوان کتاب پیتربورگر برای خواننده‌ی امریکایی نادآور پژوهشی است که رنانو پوچولی در سال ۱۹۶۸ با همین عنوان انجام داد. با آن‌که در حال حاضر به ندرت کسی از پوچولی یاد می‌کند، تأثیر دیدگاه او را کماکان می‌توان در مباحث اخیر مرتبط با مدرنیسم، پسب مدرنیسم، و هنر آوانگارد مشاهده کرد؛ دست‌کم می‌توان گفت که رویکرد او کاملاً با این مباحث، که در حال حاضر عمدتاً تحت نفوذ فرصیات پساساختارگرایانه فرار دارند، متناسب و هم‌راستا است. به همین علت، شرح و بسط نظام‌مند تعابوهای رشته‌ای دو رویکرد فکری که در کتاب‌های بورگر و پوچولی به نمایش درآمده‌اند، ممکن است ما را در تشخیص تأثیرات مثبت نظریه‌ی هنر آوانگارد بورگر در مباحثات عقیمی که درباره‌ی مدرنیسم و هنر آوانگارد در جریان است، یاری رساند.

یکی از بیس‌فرض‌های بنیانی این بحث که به ندرت مورد پرسش واقع می‌شود آن است که ادبیات آوانگارد از دل دوگانگی میان ریان قراردادی و کلیشه‌شده و صورت‌های زبانی تجربی‌ای که این کلیشه‌ها را تحریب می‌کنند شکل می‌گیرد. البته این نوع تبیین محصور به مطالعه‌ی مدیوم‌های هنری ریبانی نیست و دوگانگی مشابهی بی‌رمان ویژگی‌های قراردادی و ویژگی‌های محصوره‌فرد و اصیل در حوزه‌ی نقد سایر هنرها وجود داشته

است به عنوان مثال، مقاله‌ی کلمنت گریبیرگ با عنوان «آوانگارد و کج» که در سال ۱۹۳۹ به نگارش درآمده است، هم در عنوان و هم در محتوا این گرایش نقد هنری را به نمایش می‌گذارد. حال است که گریبیرگ، که احتمالاً شناخته‌شده‌ترین منتقد هنری امریکا در دهه‌ی پنجاه و اوایل دهه‌ی شصت بود، این مقاله را که در آن نوعی راهبرد کلی ارائه می‌سود اولین مقاله‌ی کتاب خود با عنوان هنر و فرهنگ (۱۹۶۱) قرار داد.

بوچولی نیز از این سنت مستتبنا بیست از نظر او، گرایش متون «آوانگارد» به مرکز بر «حلاقیات زبانی» واکسنی ضروری در قبال ماهیت یکواخت، عاری از طراف، و پیش‌باافاده‌ی گفتار حاکم بر حوزه‌ی عمومی ماست که در آن اهداف کارکردی ارتباطات کمی و بزرگی‌های منحصربه‌فرد واسطه‌های زبانی را رایل می‌کند. بنابراین، زبان عامص و فروبسته‌ی ادبیات داستانی مدرن عملکردی اجتماعی بر عهده دارد و «در رابطه با تاهای ای که به واسطه‌ی عادت‌های قراردادی گریبانگیر زبان معارف شده است نقش پالایشی و درمانی ایفا می‌کند»^۱ از نظر بوچولی، «کس بداعت و حتی می‌توان گفت کس عراب»^۲ هنر آوانگارد، علت‌های تاریخی و اجتماعی مشخصی در «نش‌های جامعه‌ی بورژوایی، سرمایه‌داری، و تکنولوژیک» ما دارد.^۳

اما «جامعه‌ی بورژوایی، سرمایه‌داری، و تکنولوژیک»ی که بوچولی از آن سخن می‌گوید، در طول دهه‌ی ۱۹۲۰ و هم‌زمان با تکوین جریان‌های آوانگارد تاریخی، و به طریق اولی با بست مدرسیسم دهه‌های پنجاه و شصت آغاز شد. تحلیل تاریخی-اجتماعی بوچولی از حبس آوانگارد او را در موقعیت دسواروی گرفتار می‌کند او رابطه‌ای موازی میان جامعه‌ی بورژوایی-سرمایه‌داری و تجاری‌سدن و ناهای زبان، از یک سو، و شکاکیت «حبس آوانگارد» نسبت به زبان، از سوی دیگر، برقرار می‌سازد. اگر این رابطه در عمل وجود داشته باشد، آگاهی انتقادی نسبت به ناهای زبان، که به واسطه‌ی نحوه‌ی اسفاده از آن در بازار بدید می‌آید، باید بیش از این و در اواخر قرن هجدهم برور می‌کرد با این حال، اگر نتوان در انهای قرن هجدهم و سرناسر قرن نوزدهم بوندی میان جامعه‌ی بورژوایی-سرمایه‌داری و سک‌آوری نسبت به زبان بدیا کرد، اساساً استفاده‌ی بوچولی از نقابل زبان فرار دادمحور/حبس آوانگارد، به عنوان نقطه‌ی آغاز «نظریه‌ی هنر آوانگارد» زیر سوال می‌رود، زیرا در این صورت اصطلاح آوانگارد باید حنا گسرده شود که هنر اواخر قرن هجدهم را بر در برگرد بدین ترتیب، این اصطلاح به عنوان بی‌معنی تبدیل می‌شود که تمایزات میان رمانتیسم، سمبولیسم، ریبابی‌شناسی باوری، حبس آوانگارد، و بست‌مدریسیسم را نیز مبهم می‌کند.

من با مسئله‌ی بحسب، یعنی وجود نوعی آگاهی شکاکانه نسبت به زبان در حدود سال ۱۸۰۰، آغاز می‌کنم در حقیقت، می‌توان دیدگاه‌های بسیاری از این دوره سراع گرفت

که حصیصه‌ی کلسه‌ای زبان متعارف را به عنوان معصلی اجتماعی و تاریخی مورد توجه فرار می‌دهند در اواخر قرن هجدهم، شیلر و گونه نصمیم گرفتند برای انجام‌دادن پروژه‌ای در رابطه با مقوله‌ی نفس ادبی به مطالعات مقدماتی بردارند در یادداشت‌های مقدماتی این پروژه (که هیچ‌گاه به اتمام نرسید) آمده است «تمامی منفسان در حقیقت سازق ادبی هستند آن‌ها با تکرار و تقلید از حبرها، سیره‌ی حیانی و عنصر اصل و زبانی زبان و اندیشه را رایل می‌کنند و به کمک آن حلا درونی خویش را بر می‌سازند بدین ترتیب زبان به نحوی فراننده از اصطلاحات و اشکال به‌ناراح‌رفه‌ای آکنده می‌سود که دیگر چیزی به ما منتقل نمی‌کند، ما با کتاب‌های عربص و طویلی روبه‌رو می‌سوم که سکی ربا دارند اما مطلقاً چیزی در آن‌ها وجود ندارد»^۴ به‌راحتی می‌توان اظهارنظرهای مشابهی از سایر نویسندگان ربع آخر قرن هجدهم نقل کرد انتقادات اولیه‌ای که از انحطاط و تاهای زبان به عمل می‌آید سرشار از نوعی آگاهی نسبت به بوند متقابل تحولات اجتماعی-تاریخی گوناگونند نکوبس جامعه‌ی بورژوایی-سرمایه‌داری، فرهنگ توده‌ای، موضع شاعر در برابر این تحولات، حصیصه‌ی رازورانه‌ی عمدی ادبیات «سطح بالا»، و مواردی از این دست روسو در فرانسه، کارل فیلب موریس و سلر و رمانتیک‌ها در آلمان، و کمی بعد) وردرورث و کالریخ در انگلستان مسانلی از این قبیل را مورد بحث قرار می‌دادند. نفسیم کار و تأثیر آن بر ادبیات، تجربه‌ی بیگانگی در حوامع مدرن، تأثیر محرب ابراری‌شدن حرد، و نفوق ارزش مبادل بر تعاملات اجتماعی، که با اصطلاحانی مانند «منافع شخصی»، «نفع»، «خودخواهی»، و «خودبسی اقتصادی» بیان می‌شد. علت آن‌که این مصامین جامعه‌سناحتی به‌سرع ادبیات و نظریه‌ی ریبابی‌شناحتی را نحت تأثیر فرار دادند، بیس از آن‌که حساسیت نویسندگان بزرگ نسبت به دگرگونی‌های تاریخی-اجتماعی باشد، اهمیت بازار کتاب برای اقتصادهای ملی قرن هجدهم^۵ و تجربه‌ی ناره‌ی نویسندگان در ضرورت رفانت با حاده‌ی فراگیر ادبیات مردم‌بسند بود^۶ این تحولات محربه ایجاد نقابلی میان نویسنده و تجارت‌بسگی، اصالب و دنباله‌روی، و ادبیات خودآیین و «سطح‌بالا» و ادبانی شد که به بازولید ایدئولوژیک جامعه احصاص یافته بود. و تمامی این مسائل خود را در نوعی آگاهی انتقادی نسبت به زبان به نمایش می‌گذاشتند. بوچولی چندان رحمت ورود به حریات تاریخی-اجتماعی را به خود نمی‌دهد، اما به سکللی کلی به این تحولات اساره می‌کند «حتی می‌توان ادعا کرد که شکل‌گیری این دهیبت بیگانه‌سده (و بدس واسطه، حریان آوانگارد) بدیده‌ای است که دست‌کم تا حدود زیادی تحت نفود تأثیرات عملی، اندولوربکی، و دهی تحولات ناگهانی و نه چندان برسابقه‌ای قرار داشته است که در موقعیت اقتصادی هنرمند پدید آمده‌اند»^۷